

رسالة راحة الارواح

محمد صادق وقايع نگار

به كوشش محمد جعفری (قنوازی)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ناشر برگزیده
هفدهمین، بیستمین، بیست و دومین،
بیست و سومین و بیست و چهارمین
نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران

محمد صادق وقایع نگار

رسالة راحة الارواح

به كوشش

محمد جعفری (قنواتی)



۱۳۹۶

سرشناسه: همای مروزی، محمد صادق، قرن ۱۳ ق.
 عنوان و نام پدیدآور: رساله راحة الارواح / محمدصادق وقایع نگار؛ به کوشش محمد جعفری (قنواتی).
 مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۶.
 مشخصات ظاهری: بیست و شش، ۲۳۷ ص.
 شابک: ۹۷۸۶۰۰۴۳۶۵۳۳۸
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
 یادداشت: کتابنامه: ص. [بیست و پنج] - بیست و شش؛ همچنین به صورت زیر نویس.
 موضوع: داستان‌های حماسی فارسی * Epic Stories, Persian
 موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۳ ق. Persian Fiction -- 19th Century
 موضوع: نثر فارسی -- قرن ۱۳ ق. Persian Prose literature -- 19th Century
 شناسه افزوده: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. Elmi - Farhangi Publishing Co.
 رده‌بندی کنگره: PIR ۷۵۵۲/۵ ۱۳۹۶
 رده‌بندی دیویی: ۸۵۳/۵
 شماره کتابشناسی ملی: ۴۹۸۲۶۲۵

رساله راحة الارواح

نویسنده: محمدصادق وقایع‌نگار

به کوشش محمد جعفری (قنواتی)

چاپ نخست: ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حروفچینی و آماده‌سازی: انتشارات علمی و فرهنگی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه

حق چاپ محفوظ است.

انتشارات

علمی و فرهنگی



اداره مرکزی و مرکز پخش: خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، چهارراه حقانی (جهان کودک)، کوچه کمان، پلاک ۲۵؛ کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳؛ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۹۶۴۷؛ تلفن: ۷۰-۸۸۷۷۴۵۶۹؛ فکس: ۸۸۷۷۴۵۷۲؛ تلفن: ۲۹-۸۸۶۶۵۷۲۸؛ تلفکس: ۸۸۶۷۷۵۴۴۰۴۵

www.elmifarhangi.ir info@elmifarhangi.ir

آدرس اینترنتی:

www.farhangishop.com

وبسایت فروش آنلاین:

فروشگاه مرکزی (پرندۀ آسی): خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، بین بلوار گلشهر و ناهید، ابتدای کوچه کلفام، پلاک ۷۲؛ تلفن: ۲۲۰۲۴۱۴۰۳

فروشگاه یک: خیابان انقلاب، روبه‌روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۱۶-۶۶۹۶۳۸۱۵ و ۶۶۴۰۰۷۸۶
 فروشگاه دو: میدان هفت‌تیر، خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام فراهانی و خردمند، پلاک ۱۳؛ تلفن: ۸۸۳۴۳۸۰۶۷

فروشگاه سه: خیابان کارگر شمالی، روبه‌روی پارک لاله، نبش کوچه ستاره، نمایشگاه و فروشگاه محصولات فرهنگی سازمان تأمین اجتماعی، پلاک ۱

با یاد خواهر مهربان و کوچ کرده ام
پیشکش می شود به عزیزانم
نوید، سعید و بهاره

۴ ج

فهرست مطالب

یادآوری	یازده
پیشگفتار	سیزده
رسالة راحة الارواح	۱
[افتتاح رساله در داستان الغ سلطان و فیروزشاه]	۷
راحت اول: در حکایت کردن پیر روشن ضمیر با الغ شاه از داستان	
برزو و افراسیاب	۳۱
راحت دویم: در آمدن برزو نزد افراسیاب و کمر خدمت بستن	
برزو	۳۵
راحت سیم: در آزمایش نمودن برزو، خود را با گردان و پهلوانان	
افراسیاب	۴۵
راحت چهارم: در لشکر کشیدن برزو از جانب افراسیاب به مرز	
ایران	۵۱
راحت پنجم: در رزم برزو با فریبرز و طوس نوذر و گرفتار شدن	
ایشان به دست برزو	۵۵
راحت ششم: در رزم رستم داستان با برزوی دلیر و شکسته شدن	

- بازوی رستم از گرز برزو ۶۳
- راحت هفتم: در رزمجویی فرامرز با برزو و گرفتار شدن برزو ... ۷۱
- راحت هشتم: در رزمجویی زواره با افراسیاب و بردن بیژن برزو را به
نزد رستم ۷۷
- راحت نهم: در آگاهی یافتن مادر برزو از گرفتاری او و به طلب
برزو روی به مرز ایران نهادن ۸۵
- راحت دهم: در آمدن رامشگر به نزد برزو و نشان دادن خاتم زرین به
وی و آگاهی برزو از آمدن مادر و به حیلۀ رامشگر از زندان
رهایی یافتن و به جانب توران شتافتن ۹۱
- راحت یازدهم: در رسیدن برزو به سر راه زابلستان و توران و
بر خوردن به رستم دستان و سایر داستان ۱۰۱
- راحت دوازدهم: در جنگ رستم دستان با برزو ۱۰۷
- راحت سیزدهم: در آمدن فرامرز از زابلستان به نزد رستم و خشم
کردن رستم به فرامرز در خصوص رها گشتن برزو از بند ۱۱۳
- راحت چهاردهم: در رسیدن رویین، پسر پیران، به نزد برزو و
مرغ‌های زهر آلود را به سگان دادن و مردن سگان و آشکار گشتن
حیلۀ گرگین ۱۱۷
- راحت پانزدهم: در رزم رستم با برزو بار سوم و گرفتار شدن برزو به
دست رستم و ظاهر شدن اینکه او پسر سهراب است ۱۲۵
- راحت شانزدهم: در حکایت سوسن رامشگر و بیان داستان نمایان
سوسن ۱۴۱
- راحت هفدهم: در بزم آراییی جهان پهلوانان ایران در ایوان دستان و
معارضه نمودن با یکدیگر و خشمناک شدن طوس و از بزم بیرون
رفتن و آگاهی رستم از این داستان و یکان یکان پهلوانان ایران را
از قفای هم فرستادن ۱۵۷
- راحت هژدهم: در رسیدن طوس به نزد سوسن و گرفتار شدن طوس

- به دام جادوی آن غدار ۱۶۵
راحت نوزدهم: در رسیدن گودرز به نزد سوسن و گرفتار شدن
او ۱۶۹
راحت بیستم: در رسیدن گیو به نزد سوسن و گرفتار شدن ۱۷۵
راحت بیست و یکم: در رسیدن گستهم به نزد سوسن و گرفتار شدن
او به بند ۱۷۹
راحت بیست و دوم: در آمدن بیژن بدان دامگاه و دانستن او که این
دامگاه است و نبرد کردن با پیلسم و در آخر به بند افتادن ۱۸۱
راحت بیست و سوم: در رسیدن فرامرز به نزد سوسن و فریاد بر آوردن
بیژن که این دامگاه است ۱۸۷
راحت بیست و چهارم: در رزم رستم با پیلسم ۱۹۳
راحت بیست و پنجم: در رزم آرایبی زال دستان و برزوی جهان پهلوان
با سپاه ترکان ۱۹۷
راحت بیست و ششم: در کشتی گرفتن رستم با پیلسم و کشته شدن
پیلسم به دست رستم ۲۱۱
راحت بیست و هفتم: در ورود کیخسرو به لشکرگاه رستم و آمدن
افراسیاب به جنگ کیخسرو ۲۱۷
راحت بیست و هشتم: در رزمجویی برزو با افراسیاب ۲۲۷
اختتام: در طلسم بستن حکیم دانشمند به جهت الغ سلطان و مخالفت
نمودن فرخ زاد از وی به جهت آن طلسم ۲۳۵

یادآوری

راحة الارواح را نخستین بار استاد ارجمند جناب آقای علیرضا ذکاوتی قراگزلو، قریب هفت سال پیش، در مقاله‌ای در آینه میراث معرفی کرد. نگارنده نیز به واسطه همین مقاله با راحة الارواح و هنر داستان‌پردازی همای مروزی آشنا شد. با مطالعه این مقاله انگیزه‌ای در من ایجاد شد که نسخه کتاب را فراهم کنم. با تهیه دست‌نویس کتاب و مطالعه آن و لذتی که از داستان‌پردازی مؤلف بردم، تصمیم به انتشار آن گرفتم. کار تصحیح و حروفچینی که به پایان آمد، به سبب پاره‌ای اشتغالات برای مدتی طولانی متن حروفچینی شده و آماده را در گوشه‌ای از میز گذاشتم. در پاییز امسال متوجه شدم که این «اشتغالات» پایانی ندارد. از این رو بار دیگر آن را مطالعه کردم، مقدمه آن را نوشتم و یک ماه بعد به مسئولان محترم انتشارات علمی و فرهنگی تحویل دادم.

در آماده شدن و به چاپ رسیدن این کتاب چند نفر نقش داشته‌اند که از همه آن‌ها سپاسگزارم. نخست پژوهشگر ارجمند جناب آقای قراگزلو است که سبب آشنایی بنده با این کتاب شدند، دوم دوست گرامی آقای دکتر حسین زاده و سرانجام مدیران محترم انتشارات علمی و فرهنگی که با چاپ این کتاب موافقت کردند.

محمد جعفری (قنواتی)

پیشگفتار

داستان‌گویی برای پادشاهان، به ویژه در شب، سابقه‌ای طولانی دارد. گزارش‌هایی که در این باره در دست است نشان از درآمیختگی تاریخ و افسانه دارد. ابن‌الدیم می‌نویسد: «اول کسی که با افسانه شب‌زنده‌داری کرد، اسکندر بود. او گروهی داشت که با نقل افسانه سرگرمش می‌کردند. پس از وی پادشاهان روش او را ادامه دادند»^۱. در هزارویک شب نیز شهرزاد شب‌ها برای پادشاه داستان می‌گوید. در هفت‌پیکر نظامی و نیز نظیره‌های آن از داستان‌گویی‌های شبانه برای بهرام گور سخن رفته است.

در دوره اسلامی نیز بسیاری از پادشاهان در دربار خود داستان‌گزارانی داشتند که در مواقع لزوم برای شاه داستان نقل می‌کرده‌اند که نام برخی از آن‌ها در کتاب‌ها آمده است. در طراز‌الاجبار از زین‌العابدین تکتوخان، داستان‌گزار شاه اسماعیل صفوی، یاد شده است.^۲ در تذکره‌های دوره صفوی به گروهی از این داستان‌گزاران اشاره شده است.^۳ شاهان قاجار

۱. ابن‌الدیم، الفهرست، ص ۵۴۰.

۲. فخرالزمانی، طراز‌الاجبار، ص ۲۱.

۳. ← سام میرزا صفوی، تذکره تحفه سامی، صص ۱۳۹-۱۴۱، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۷۰؛ نصرآبادی، تذکره نصرآبادی، صص ۴۶۲، ۵۹۳؛ بلیانی، تذکره عرفات العاشقین و عرصات العارفين، صص ۵۸۱، ۱۳۲۵، ۲۰۵۴، ۲۹۶۵، ۳۰۷۴، ۳۶۱۱.

نیز از این گونه داستان‌گزاران داشتند؛ برای نمونه آغا محمدخان قاجار داستان‌گزارى داشت که وقتى در بستر دراز مى‌کشید برایش کتاب مى‌خواند تا خواب به سراغ شاه بیاید. در این هنگام شاه لحاف را روی سر خود مى‌کشید و این کار او به معنای کفایت و پایان کتابخوانی بود. داستان‌گزار کتاب را در تاقچه مى‌گذاشت و از اتاق بیرون مى‌رفت.^۱ داستان‌گویی‌های شبانه‌ی نقیب‌الممالک برای ناصرالدین‌شاه نیز مشهورتر از آن است که در اینجا نقل شود.

راحة الارواح نیز در موقعیت و مناسباتی، مشابه آنچه شرح داده شد، شکل گرفته است. هدف از تألیف کتاب این بوده است که وقتى فتحعلی‌شاه به بستر خواب مى‌رود، برای وی خوانده شود تا با آرامش به خواب رود. از این رو مؤلف بخش‌های مختلف را «راحة» نامیده است. وی در مقدمه کتاب مى‌نویسد این پادشاه همیشه در اندیشه گیتی‌گشایی و مملکت‌آرایی است و «پیوسته همچون بخت خود بیدار است» و هیچ‌گاه خواب را در دیده حق‌بینش راه نیست. «گاهی که به اراده طبیعت و اقتضای عادت، بالین و بستر خواب را از پیکر مبارک شرافتی میسر گردد هم از غلبه فکر و خیال و استیلاى اندیشه‌های دقیق در نظم اوضاع و احوال، شاهد خواب را در سراپرده دیدگانش چندان بار نیست» و «چون از قلت خواب وجود مبارک را بیم‌گزند بود و گزند وجود مبارک جهانیان را ناگوار و ناپسند» به این اندیشه افتاد که با ترتیب دادن رساله‌ای حاوی «حکایات شگرف و روایات به غرابت متصف» به آسایش و راحتی دست یابد. مؤلف در ادامه مى‌نویسد که «قرعه این فال به نام من بنده جان‌نثار، محمدصادق مروزی وقایع‌نگار، برآمد». از این رو «حکایتی چند نگاشتم و ترتیب رساله را به یک افتتاح و بیست‌وهشت راحت و اختتامی داده مسما به راحة الارواح نمود» با این امید که باعث راحت و آسایش «پادشاه

۱. مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۱، صص ۳۳-۳۴.

جم‌جاه اسلام پناه گردد».

موضوع راحة الارواح

راحة الارواح، به طور کلی، در ردیف «نصيحة الملوك» ها و «سیاست‌نامه» ها قرار می‌گیرد. سیاست‌نامه‌نویسی سابقه‌ای طولانی در ادبیات فارسی دارد و ریشه آن به ادبیات اندرزی دوره پیش از اسلام می‌رسد. در این گونه کتاب‌ها نویسنده مبانی و اصولی را که پادشاه باید در اداره کشور مراعات کند، یادآوری می‌کند.^۱ نوع ادبی «کارنامه» را که نوشتن آن در ادبیات پهلوی رایج بود و به شکلی دیگر در شاهنامه استمرار یافت، می‌توان از انواع سیاست‌نامه محسوب کرد.^۲ سیاست‌نامه‌ها را از لحاظ داستان‌پردازی و نقش و اهمیت داستان در آن‌ها به دو گروه کلی می‌توان تقسیم کرد: در گروه اول نویسنده یکی از ضروریات ملک‌داری را شرح می‌دهد و سپس برای اثبات آن داستانی نقل می‌کند. برخی از کتاب‌های این گروه داستان‌های بیشتری دارند مانند سیاست‌نامه‌ی خواجه نظام‌الملک، و برخی داستان‌های کمتری دارند مانند نصیحة الملوک امام محمد غزالی. گروه دوم از اساس بر داستان استوار هستند مانند مرزبان‌نامه، سندبادنامه و بختیارنامه. راحة الارواح در گروه دوم قرار می‌گیرد. در این گروه نیز توجه مؤلفان مختلف به اصل داستان و داستان‌پردازی متفاوت است. مثلاً بختیارنامه، به ویژه روایت‌های ساده آن، از لحاظ داستان‌پردازی بسیار برجسته‌تر از نمونه‌های دیگر است.^۳ این تفاوت را حتی در روایت‌های متفاوت یک سیاست‌نامه نیز می‌توان نشان داد. برای نمونه از مرزبان‌نامه دو

۱. برای توضیحاتی مستوفی در این باره ← سیدجواد طباطبایی، سیاست‌نامه‌نویسی؛ همو، در آمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، ج ۴، ص ۳۹ به بعد.

۲. ← خدایی شریف، نظریه نثر در ادب فارسی.

۳. برای آشنایی با روایت‌های مختلف بختیارنامه ← مدخل «بختیارنامه» در دانشنامه فرهنگ مردم ایران، ج ۲.

روایت موجود است: یکی با نام مرزبان‌نامه، تألیف سعدالدین وراوینی، و دیگری با نام روضة العقول تألیف محمد بن غازی ملطیوی. در روضة العقول، برخلاف مرزبان‌نامه، داستان‌ها با اختصار فراوان نقل شده‌اند و بخش‌هایی زیاد از کتاب جنبه غیرروایی دارند. این موضوع بیش از هر چیز به علائق مؤلف و نیز فضای فرهنگی و اجتماعی محاط بر وی بستگی دارد.

گفتیم که راحة الارواح در گروه دوم این سیاست‌نامه‌ها قرار می‌گیرد. ذوق‌ورزی‌های همای مروزی، شاعر بودن وی و نیز آشنایی عمیق او با ادبیات، سبک جدید او در نوشتن که باعث شده است نویسنده تذکره نگارستان دارا از وی با عنوان «مترسلی جدید السیاق»^۱ یاد کند، و سرانجام این ویژگی او که در «محوارت و مجلس آرای می‌هم قدرتی لایق دارد»^۲ همه و همه دست به دست هم داده تا وجوه ادبی و داستان‌پردازی در راحة الارواح برجسته‌تر و نمایان‌تر باشد. از لحاظ ادبی آنچه این کتاب را از نمونه‌های مشابه متمایز می‌کند نوآوری‌های مؤلف و تغییراتی است که در مأخذ اصلی خود ایجاد کرده است.

اصل داستان راحة الارواح روایتی ویژه از بخش نخست داستان برزو یا برزوناومه است. چنان که می‌دانیم برزوناومه شامل دو بخش است: بخش نخست که به برزوناومه کهن نیز مشهور است و احتمالاً در سده ششم منظوم شده است، با شرح چگونگی آشنایی برزو و افراسیاب آغاز می‌شود و سپس با لشکرکشی سپاه توران به ایران، به فرماندهی برزو، ادامه می‌یابد. پس از طی حوادثی مختلف در نهایت برزو با رستم به نبرد می‌پردازد و از وی شکست می‌خورد. هنگامی که رستم قصد جان برزو را دارد، شهره مادر برزو هویت او را برای رستم فاش می‌کند. آن دو همدیگر را در آغوش می‌گیرند و از رفتار خود پشیمان می‌شوند. برزو

۱. دنبلی، نگارستان دارا، ص ۱۴۹.

۲. محمود میرزا قاجار، سفینه‌المحمود، ص ۵۸۵.

به سپاه ایران می‌پیوندد و از آن پس در ردیف پهلوانان سپاه ایران قرار می‌گیرد. افراسیاب نیز با حسرت فراوان به توران عقب‌نشینی می‌کند. در بخش دوم، که زمان تألیف آن متأخر است، داستان برزو ادامه می‌یابد. موضوع بسیاری از حوادث این بخش که سرانجام با مرگ برزو پایان می‌یابد، جنگ وی با دیوان و پریان است.^۱

وقایع‌نگار بخش نخست برزوناامه را روایت کرده است. اگرچه در روایت وی حوادث و اتفاقات اساسی داستان تفاوتی با روایت منظوم و روایت‌های منشور نقالان ندارد، از لحاظ ساختار و نیز نوع‌شناسی با آنها متفاوت است. همین دو مورد ویژگی‌های اساسی روایت وقایع‌نگار است؛ ویژگی‌هایی که مؤید توانایی او در داستان‌پردازی و داستان‌گزاری است. برای روشن کردن اهمیت کاری که وقایع‌نگار انجام داده است این دو مورد را جداگانه و به اختصار شرح می‌دهیم:

۱. ساختار برزوناامه در روایت اصلی، ساختاری خطی است؛ یعنی از نقطه‌ای شروع می‌شود، به صورت مستقیم ادامه می‌یابد و سرانجام در نقطه‌ای پایان می‌یابد. وقایع‌نگار این ساختار خطی را به داستانی با ساختار داستان در داستان تبدیل کرده است؛ یعنی همان ساختاری که نمونه‌های فراوانی در ادبیات ایران دارد که از جمله می‌توان به کلیله و دمنه، سندبادنامه، هزارویک‌شب، مرزبان‌نامه، بختیارنامه و فرایدالسلوک اشاره کرد. ابتدا و در مقدمه، داستان الغ سلطان و فیروزشاه نقل می‌شود. بر اساس این داستان که باید آن را «داستان چارچوب» راحه‌الارواح نامید، الغ سلطان و فیروزشاه هر یک پادشاه کشوری هستند. آنها پس از سال‌ها دشمنی باهم آشتی می‌کنند. فیروزشاه صاحب پسری می‌شود و نامش را فرخزاد می‌گذارد. فرخزاد رشد می‌کند و پهلوانی قدر قدرت

۱. برای آشنایی با برزوناامه و بخش‌های متفاوت آن ← مقدمهٔ اکبر نحوی بر برزوناامه و نیز مدخل برزوناامه در جلد دوم دانشنامهٔ فرهنگ مردم.

و بی نظیر می شود. الغ سلطان از بیم آنکه رقیب با اتکا به این پهلوان «ترک مصالحه نموده، بنای مجادله» گذارد، با برنامه‌ای حساب شده فرخزاد را شیفتهٔ دختر خود می کند و سپس آنها را به عقد ازدواج هم درمی آورد. مدتی بعد الغ سلطان در ضمن شکار «پیری روشن ضمیر» را می بیند و آنچه کرده است برای او شرح می دهد. پیر در پاسخ می گوید «بیم آن هست که از تربیت فرخزاد به پادشاه آن رسد که از تربیت برزو به افراسیاب».

در اینجا مانند سایر داستان‌های تودرتو، الغ سلطان می پرسد که «داستان افراسیاب و برزو چگونه بوده است؟» پس از آن وقایع نگار طی بیست و هشت راحت، داستان برزو را از زبان پیر روشن ضمیر روایت می کند. مؤلف یا راوی پس از پایان یافتن روایت پیر روشن ضمیر به ادامهٔ داستان چارچوب می پردازد که بر اساس آن پیر تدابیری در نظر می گیرد تا به الغ سلطان آسیبی وارد نشود.

ساختار داستان در داستان ضمن نقل داستان برزو نیز رعایت شده است. مثلاً هنگامی که افراسیاب به علت پیوستن برزو به سپاه ایران آشفته و پریشان احوال می شود و دست به دامن سوسن رامشگر می شود، سوسن پیش از رفتن به ایران داستانی از «مکر زنان» در اثبات توانایی و زیرکی خویش برای وی نقل می کند. همچنین هنگام شرح تلاش مادر برزو برای آزادی فرزند از قلعهٔ سیستان، مؤلف دربارهٔ «بی وفایی زنان» نکاتی را بیان می کند و سپس می افزاید: «بندهٔ وقایع را در بی وفایی زنان حکایتی در نظر است، اکنون به مناسبت مقام ایراد می رود». سپس افسانه را نقل می کند.

۲. برزونامه از لحاظ نوع ادبی، داستانی پهلوانی است که برخی وجوه حماسی نیز در آن وجود دارد. اما این داستان در روایت وقایع نگار به داستانی کاملاً تعلیمی تبدیل شده است. اساساً هدف وقایع نگار از داستان گویی پند و اندرز، و بیان برخی مسائلی است که گاه نمی توان آنها را به صراحت بیان کرد. او رسالت داستان گو و کارکردهای داستان

را نیز به جز این نمی‌داند؛ چنان که خود وی در مقدمه آورده است: «هر یک از سلاطین را راویان اخبار و ناقلان آثار بوده است که هنگام فراغ از مهام عباد و نظام بلاد در بزم سلطنت، حکایات اتفاقیه را به سیاق افسانه روایت می‌نموده‌اند و به این بهانه زبان به افشای بعضی روایات مخفیة نیز می‌گشوده».

افزون بر داستان چارچوب و نیز داستان برزو، افسانه‌هایی که ضمن نقل داستان برزو روایت می‌شوند نیز از نوع تعلیمی هستند. علاوه بر این، مؤلف در قسمت‌های مختلف داستان نکات تعلیمی را به صورت صریح از زبان خود یا به شکل تمثیل از زبان برخی شخصیت‌ها بیان می‌کند؛ مانند تمثیلی که فرامرز برای هومان نقل می‌کند. این تمثیل‌ها در هیچ یک از روایت‌های برزونا، اعم از منظوم و منثور نقالی، وجود ندارد. از دیدگاه نگارنده این سطور، این دو ویژگی که نتیجه‌توانایی وقایع‌نگار در داستان‌پردازی است اهمیت فراوان دارد و اساساً همین موضوع انگیزه نگارنده در تصحیح راحة الارواح بوده است.

سبک داستان‌پردازی وقایع‌نگار پیش و پیش از آنکه متأثر از ادبیات مکتوب و رسمی ما باشد شبیه داستان‌گزاران سنتی ایران است. سبک او و جوهری از نقالی و مجلس‌گویی را به صورت توأمان با خود دارد. چگونگی آغاز کلام وقایع‌نگار شباهتی کامل با شیوه شروع سخن در مجلس‌گویی، به ویژه در سنت شیعی، دارد. در این شیوه ابتدا خطبه‌ای به عربی نقل می‌شود که مجلس‌گو طی آن ضمن حمد خداوند به نعت پیامبر اسلام (ص) و منقبت حضرت علی (ع) می‌پردازد و سپس موضوعی را پیش می‌کشد و به توضیح و تفسیر آن مشغول می‌شود.^۱

وقایع‌نگار نیز در آغاز کلام خویش خطبه‌ای با ویژگی‌های فوق نقل و سپس داستان اصلی را روایت می‌کند. از سوی دیگر یکی

۱. برای آگاهی بیشتر ← جعفری قنواتی، در آمدی بر فولکلور ایران، صص ۳۲۰ به بعد.

از ویژگی‌های داستان‌گزارى سنتى اعم از نقالى، مجلس‌گویی و پرده‌خوانی - «مسئله‌ی تداعی معانی و خواطر در شیوه‌ی بیانی» است.^۱ این ویژگی نیز در روایت وقایع‌نگار کاملاً نمایان است. همان‌گونه که پیش از این و به مناسبتی دیگر یاد آور شد، هنگامی که سوسن رامشگر داستانی از «مکر زنان» برای افراسیاب نقل می‌کند این موضوع باعث نوعی تداعی معانی برای وقایع‌نگار می‌شود و اظهار می‌دارد که «بنده‌ی وقایع را در بی‌وفایی زنان حکایتی در نظر است، اکنون به مناسبت مقام ایراد می‌رود».

از دیگر ویژگی‌های این سبک، زبان خاص آن است که حد فاصل زبان ساده‌ی گفتاری و زبان خواص است. این ویژگی نیز در داستان‌پردازی وقایع‌نگار مشهود است. برای شناخت دقیق این زبان شاید بهترین راه مقایسه‌ی زبان مصنوع سایر آثار وقایع‌نگار با زبان ساده‌ی بخش داستانی این کتاب است.

طرح مسائل تعلیمی در مواضع مختلف سخن و داستان نیز ویژگی دیگر این سبک است که به وفور در روایت وقایع‌نگار تکرار می‌شود.

بینامتنیت در راحة الارواح

راحة الارواح، مانند هر داستان دیگر، به صورت‌های مختلف متأثر از داستان‌های پیش از خود است. ظاهراً نام کتاب از یکی از روایت‌های بختیارنامه اقتباس شده است. نام این روایت که استاد زنده‌یاد دکتر صفا تصحیح و منتشر کرده «راحة الارواح فی سرور المفرح» است.

افسانه‌ای که سوسن رامشگر برای افراسیاب نقل می‌کند، در یکی از متون داستانی کهن هند، «دریای اسمار»، آمده است. افزون بر این، برخی از بن‌مایه‌ها و نیز اپیزودهای داستان‌های کتاب در بسیاری از داستان‌های دیگر نیز تکرار شده‌اند که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- بن مایه شکاری که پادشاه یا شاهزاده را به دنبال خود می کشاند، او را از سپاهیان جدا می کند، به بیابانی بی آب و علف یا منطقه ای دیگر می برد و در نهایت از دیده وی پنهان می شود. شبیه این بن مایه در سمک عیار، جامع الحکایات و نیز برخی روایت های تیپ ۳۰۳ آرنه/تامپسون وجود دارد.^۱

- بن مایه همسر گزیدن در شهر غریب و سپس جدا شدن از وی و دادن نشانه ای برای آشنایی فرزندی که حاصل این ازدواج خواهد بود. مشهورترین و قدیمی ترین روایت ثبت شده مربوط به رستم و سهراب است. اما در افسانه های شفاهی نیز شواهدی از آن وجود دارد که برخی از آنها به شاه عباس منسوب است.

- بن مایه درویشی که تصویر شاهزاده خانمی را با خود دارد و شاهزاده ای که با دیدن تصویر عاشق صاحب آن می شود و برای یافتن وی به سفر می رود. شبیه این بن مایه در بسیاری از داستان های جامع الحکایات و نیز برخی افسانه ها از جمله بعضی از روایت های تیپ های ۳۰۳، ۸۶۰ و ۸۹۱ آمده است.^۲

- بن مایه به عیاری و جاسوسی رفتن در کسوت بازرگانان. موارد مشابه آن در داستان های حماسی ما آمده است مانند داستان های بیژن و منیژه، هفت خان اسفندیار و کک کلهزاد.

- گم شدن پادشاه و دور افتادن از سپاهیان و همراهان و سپس شب مهمان خانواده ای ناشناس شدن. کهن ترین مصداق آن در داستان های بهرام گور در شاهنامه آمده است.

- عاشق شدن با شنیدن وصف دختری از زبان دیگران. این نیز از بن مایه های تکراری در داستان های عاشقانه ایرانی است که نمونه آن عاشق شدن خسرو پرویز بر شیرین در روایت نظامی است.

۱. ارجانی، سمک عیار، ج ۱، ص ۸؛ جامع الحکایات، ص ۹۶.

۲. جامع الحکایات، صص ۶۵ به بعد، صص ۱۰۳ به بعد، صص ۱۴۹ به بعد؛ مارزلف، طبقه بندی قصه های ایرانی، صص ۷۹، ۱۶۴، ۱۷۱.

مؤلف کتاب

نویسندهٔ کتاب، محمدصادق مروزی، از شاعران و نویسندگان مشهور دورهٔ خود و اهل شاهجهان مرو بوده است. در پی هجوم ویرانگری‌های بیگ جان ازبک، به خراسان و از آنجا به عتبات عالیات مهاجرت می‌کند. پس از اقامتی چندساله در آنجا به کاشان می‌رود و مصاحب صباحی کاشانی می‌شود. به سبب اشتهاش در نظم و نثر به دربار فتحعلی شاه قاجار راه می‌یابد و شاه سمت وقایع‌نگاری را به وی می‌دهد. او در نثرنویسی بسیار متبحر بوده و گرایش به نوآوری داشته است.^۱ بهار دربارهٔ او نوشته است: «در نثر قدری متجدد است ولی نه چون قائم مقام»^۲ و عبدالرزاق دنبلی نیز، که معاصر وی بوده، او را «مترسلی جدیدالسیاق» توصیف کرده است.^۳

وقایع‌نگار بسیار مورد توجه و محبت قائم مقام فراهانی و عباس میرزا بوده است. در منشآت قائم مقام شانزده نامه از وی به وقایع‌نگار وجود دارد که در همهٔ آنها احترام و محبت فراوان نویسنده به وقایع‌نگار احساس می‌شود. برای نمونه در نامه‌ای او را این گونه خطاب می‌کند: «مخدوم من، قبلهٔ من، جان من»، و در نامه‌ای دیگر می‌نویسد: «مسطورات شما کلاً مفرح روح است و بشارت فتوح، روح و ریحان و جنت نعیم. لاشک اگر بر وفق علم شما در این مملکت عمل شود، کارها بر حسب مراد خواهد بود»، و در نامه‌ای دیگر در گلایه از اینکه چرا برخی وقایع را شرح نداده است از قول عباس میرزا می‌نویسد: «ذوالفقار علی در نیام و زبان وقایع‌نگار در کام نشاید».^۴

۱. برای آگاهی از زندگی نامهٔ او ← گلچین معانی، تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۱، صص ۶۹۰-۶۹۱؛ هدایت، مجمع الفصحاء، صص ۱۷۵۷-۱۷۵۸؛ بامداد، شرح رجال ایران، ج ۲، ص ۱۷۳.

۲. بهار، سبک‌شناسی، ج ۳، ص ۳۳۲.

۳. دنبلی، نگارستان دارا، ص ۱۴۹.

۴. قائم مقام فراهانی، منشآت، صص ۷۳، ۷۴، ۱۰۵.

او بارها از سوی فتحعلی شاه و عباس میرزا به مأموریت‌های سیاسی مهم، چه در داخل و چه در خارج، گسیل شد.^۱

او شعر نیز می‌سروده و در شعر «هما» تخلص می‌کرده است. نمونه‌هایی از اشعار او در برخی تذکره‌ها نقل شده است.^۲ افزون بر راحة الارواح، آثار دیگری وی عبارت‌اند از

- تاریخ جهان آراء، در شرح سلطنت فتحعلی شاه تا وقایع سال ۱۲۴۶ ق.^۳

- شمیم عباسی، سیاست‌نامه‌ای شامل پند و اندرزهایی دربارهٔ چگونگی حکومت.

از این رساله دو تصحیح متفاوت چاپ شده است: یکی با عنوان «رساله سیاست» به تصحیح مسعود معتمدی در ناموارهٔ دکتر محمود افشار (جلد دوم)، و دیگری با عنوان «شمیم علیه» به تصحیح موسی نجفی اصفهانی در مجموعهٔ میراث اسلامی ایران (دفتر اول).

- زینة المدايح، تذکره‌ای در بیان احوال و اشعار شاعرانی که از آغاز پادشاهی فتحعلی شاه تا سال هفتم سلطنت او را مدح گفته‌اند.

- تحفة عباسی، که به نام عباس میرزا و در آداب سلطنت تألیف شده است.

- در مناظرهٔ بخت و عقل.

- دیوان اشعار.

- حکایات و روایات، که برای میرزا عبدالصمد هروی به هنگام

عزیمت از هرات به پایتخت نوشته شده است.^۴

۱. بامداد، شرح رجال ایران، ص ۱۷۴.

۲. از جمله ← هدایت، مجمع الفصحاء، ج ۲، صص ۱۷۵۸-۱۷۸۲.

۳. برای معرفی و شرحی کامل دربارهٔ این اثر ← تنهاتن ناصری و برقی جوقان، «بررسی زندگی سیاسی - علمی میرزا محمدصادق مروزی»، فصل‌نامهٔ مسکویه، سال دوم، شمارهٔ ۶، بهار ۱۳۸۶.

۴. ← گلچین معانی، تاریخ تذکره‌های فارسی؛ تنهاتن ناصری و برقی جوقان، «بررسی زندگی سیاسی - علمی میرزا محمدصادق مروزی»، فصل‌نامهٔ مسکویه، سال دوم، شمارهٔ ۶، بهار ۱۳۸۶.

- یادداشت‌هایی درباره‌ی جنگ‌های ایران و روس. این کتاب یادداشت‌های خصوصی وقایع‌نگار بوده که طی آن به خیانت‌های برخی صاحب‌منصبان در جنگ با روس اشاره شده است. وی به هنگام مسافرت به تفلیس این یادداشت‌ها را نزد یکی از دوستان خود به امانت می‌گذارد. این شخص نیز پس از سال‌ها آنها را به آقای حسین آذر می‌دهد. این یادداشت‌ها در سال ۱۳۶۹ به همت امیر هوشنگ آذر منتشر شده است.

نسخه‌های راحة الارواح

از راحة الارواح دو نسخه‌ی خطی وجود دارد؛ یکی در کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی به شماره‌ی ثبت ۴۲۳۶ با ۱۸۵ برگ، و دیگری در کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی به شماره‌ی ثبت ۶۸۹ با ۱۵۹ برگ. نسخه‌ی کتابخانه‌ی مجلس افتادگی‌های زیادی دارد. ظاهراً کاتب یا بر اثر خستگی یا بنا به ذوق خود برخی مطالب را حذف کرده است. از این رو در تصحیح کتاب، نسخه‌ی آستان قدس به عنوان نسخه‌ی اساس انتخاب شد و فقط در برخی مواضع به سبب ناخوانایی به نسخه‌ی مجلس مراجعه شده است. نسخه‌ی آستان قدس به خط نستعلیق نوشته شده است و هر صفحه شامل دوازده سطر است.

چنانچه راحة الارواح به اندازه‌ی سر سوزنی بتواند به پژوهشگران ادبیات داستانی در بررسی تحولات داستان‌پردازی گذشته‌ی ایران کمک کند، نگارنده اجر خود را دریافت کرده است.

مآخذ پیشگفتار

ابن الندیم، محمد اسحاق، الفهرست، ترجمه‌ی محمدرضا تجدد، تهران، ۱۳۸۰.

ارجانی، فرامرزین خداداد، سمک عیار، تصحیح پرویز ناتل خانلری،

انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۶۲.

بامداد، مهدی، شرح رجال ایران، انتشارات زوار، تهران ۱۳۵۷.
بلیانی، تقی‌الدین محمد اوحدی، تذکره عرفات‌العاشقین و عرصات
العارفین، تصحیح سید محسن ناجی نصرآبادی، انتشارات اساطیر،
تهران، ۱۳۸۸ ش.

بهار، محمد تقی، سبک‌شناسی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۴.
تنهاتن ناصری، ایرج و طاهره برقی جوقان، «بررسی زندگی سیاسی
- علمی میرزا محمدصادق مروزی»، فصل‌نامه مسکویه، سال دوم، شماره
۶، بهار ۱۳۸۶.

جامع‌الحکایات (نسخه آستان قدس)، تصحیح پگاه خدیش و
محمد جعفری (قنوتی)، انتشارات مازیار، تهران، ۱۳۹۰.

جامع‌الحکایات (نسخه کتابخانه گنج‌بخش)، تصحیح محمد
جعفری (قنوتی)، انتشارات قطره، تهران، ۱۳۹۲.

جعفری (قنوتی)، محمد، بختیارنامه، دانشنامه فرهنگ مردم ایران،
سروراستار: محمد کاظم موسوی بجنوردی، تهران، ۱۳۹۳.

_____، برزوانه، دانشنامه فرهنگ مردم ایران، سروراستار:
محمد کاظم موسوی بجنوردی، تهران، ۱۳۹۳.

_____، درآمدی بر فولکلور ایران، انتشارات جامی، تهران، ۱۳۹۴.

_____، قصه‌ها و افسانه‌هایی از گوشه و کنار ایران، انتشارات
رادیو، تهران، ۱۳۶۸.

خدایی شریف، نظریه نثر در ادب فارسی، برگردان به خط فارسی:
مرتضی رزم‌آرا، انتشارات داستان‌سرا، شیراز، ۱۳۹۰.

دنبلی، عبدالرزاق، نگارستان دارا، به کوشش ع. خیامپور، تبریز،
۱۳۴۲.

زرین‌کوب، عبدالحسین، سرنی، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۷۴.
سام میرزا صفوی، تذکره تحفه‌سامی، تصحیح رکن‌الدین همایون
فرخ، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۸۴.

شمس الدین محمد کوسج، برزونا مه، مقدمه و تصحیح اکبر نحوی،
انتشارات میراث مکتوب، تهران، ۱۳۸۷.

طباطبایی، سیدجواد، در آمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در
ایران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل وزارت امور خارجه،
تهران، ۱۳۶۸.

—، سیاست نامه نویسی، دانشنامه زبان و ادب فارسی، به
سرپرستی اسماعیل سعادت، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی،
تهران، ۱۳۹۱.

فخرالزمانی، عبدالنبی، طراز الاخبار، تصحیح سید کمال حاج
سیدجواد، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران، ۱۳۹۲.

قائم مقام فراهانی، منشآت، به کوشش سید بدرالدین یغمایی،
انتشارات شرق، تهران، ۱۳۶۶.

گلچین معانی، احمد، تاریخ تذکره های فارسی، انتشارات سنایی،
تهران، ۱۳۴۸.

مارزلف، اولریش، طبقه بندی قصه های ایرانی، ترجمه کیکاوس
جهانداری، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۱.

محمود میرزا قاجار، سفینه المحمود، به کوشش خیامپور، تبریز،
۱۳۴۶.

مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من، انتشارات چاپخانه علمی،
تهران، ۱۳۲۴.

نصر آبادی، محمد طاهر، تذکره نصر آبادی، تصحیح محسن ناجی
نصر آبادی، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۷۸.

هدایت، رضاقلی خان، مجمع الفصحا، به کوشش مظاهر مصفا،
انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۲.